



قهرمان خاموش لیگ

ایمان گودرزی

روزنامه نگار ورزشی

از تابستان فصل گذشته و زمانی که سران باشگاه سپاهان با آوردن مورایس و چندین بازیکن بزرگ در حال تیم بستن بودند، می شد حدس زد که زردپوشان اصفهانی از ناکامی در لیگ خسته شده اند و این فصل هر جور شده به دنبال قهرمانی در لیگ برتر هستند. همان طور که انتظار

می رفت شاگردان مورایس پرتغالی از همان ابتدا نشان دادند که مدعی اصلی به حساب می آیند و حساسی برای سرخابی های پایتخت خط و نشان کشیدند. سپاهان اگرچه فعلاً صدر جدول را به استقلال داده اما با توجه به قانونی که از فصل گذشته در لیگ برتر اجرایی شده، تیم زوزه مورایس، مدعی اصلی قهرمانی محسوب می شود. با توجه به قانون لیگ در جدول رده بندی رتاز آخر بازی ها تفاضل حساب خواهد

شد اما اگر روز آخر دو تیم هم امتیاز شوند، بازی رو در رو قهرمان را مشخص خواهد کرد. بدون شک یکی از عوامل موفقیت این فصل مورایس و شاگردانش نتایج بسیار خوب این تیم در بازی های خانگی و نقش جهان است، سپاهان در لیگ ۲۲ و در ۱۳ مسابقه در خانه به مصاف رقبای خود رفته و نگاه به آمار و ارقام این تیم در خانه نشان می دهد که از ۳۹ امتیاز ممکن این تیم توانسته ۳۲ امتیاز را به دست بیاورد

و ۲۶ گل را هم وارد دروازه رقبای خود کند. این آمار نشان از میل هجومی این تیم در بازی های خانگی است. سپاهان از ۴ بازی باقیمانده خود در لیگ دو بازی خانگی دیگر خواهد داشت که می تواند نقش بزرگی در تعیین قهرمان با توجه به در پیش بودن دربی ایفا کند. سپاهانی ها در حالی در ۱۳ مسابقه خانگی ۱۰ پیروزی را تجربه کرده اند که تنها باخت شان در اصفهان به شکست ذقایی پایانی مقابل فولاد برمی گردد. در

هفته چهارم لیگ برتر و در ایامی که چمن ورزشگاه نقش جهان درگیر ترمیم بود، سپاهان در فولادشهر به مصاف شاگردان جواد نکونام رفت و متحمل باختی یک گل شد تا همچنان بدون شکست در ورزشگاه نقش جهان کار خود را دنبال کند. سپاهان هفته آینده هم میزبان ملوان خواهد بود و امیدوار است که بتواند روند خوبش را در آن بازی ادامه دهد تا در صورت امکان، دوباره به صدر جدول برگردد.

دو برش از دو اتفاق مهم لیگ

از چاله به چاه از چاله به قله!

از چاله به چاه

این لیگ فقیر و بی مایه نیز دیگر تاریخ مصرف آنها به سر رسیده. بعد از شیفت ناگهانی و عجیب قلعه نویی به تیم ملی فوتبال، انتظار می رفت که این تیم صنعتی با درس گرفتن از اتفاقات سال های اخیر به سراغ یک مربی کارنامه دار و به روز خارجی برود، در یک تصمیم عجیب به سراغ دستیار امیر قلعه نویی رفته و او را با ارتقا درجه به عنوان سرمربی انتخاب کرده. مردی که بزرگترین رزومه اش در فوتبال قلم زنی در یکی از رسانه های ورزشی جوانمرگ شده دهه ۸۰ است و بزرگترین سابقه اش در فوتبال، بازی در تیم کوچه محل سکونت شان بوده! سعید الهویی هیچ سابقه روشن و مهمی در فوتبال ندارد و حتی دستیارش در لیگ برتر نیز محل اشکال است اما مدیران گل گهر لاید به توصیه امیر او را ارتقا پست داده اند تا کماکان قلعه نویی با حفظ سمت سرمربی گل گهر باشد؛ البته سرمربی در سایه! با این تفکر و این دست فرمان باید منتظر تداوم ناکامی های گل گهر باشیم چه آنکه استاد و رئیس الهویی سال هاست بدون جام مانده و حالا مشخص نیست شاگرد او قرار است چه گلی بر سر گل گهر بزند. با این دست فرمان گل گهر باز هم نتیجه نخواهد گرفت.

گل گهر یکی از عجایب لیگ برتر است. تیمی که به خزانه لایتناهی یک کارخانه دولتی وصل است و از همین رو برای بریز و بیاش هیچ ایایی ندارد و هر فصل تمامی ستاره های ریز و درشت و وامانده و جامانده لیگ را به سیرجان می برد اما با وجود همه این خاصه خرجی سیرجانی ها هنوز یک سهمیه ناقابل لیگ قهرمانان آسیا هم نگرفته اند. در جایی که نساجی بدون زمین و بازیکن ستاره قهرمان جام حذفی می شود و آلومینیوم با سابقه کوتاه در فوتبال ایران به فینال جام حذفی می رسد، برای گل گهر این یک ناکامی بزرگ است که در این سال ها با وجود همه بریز و بیاش ها یک موفقیت کوچک هم کسب نکرده. ریشه این ناکامی را البته باید روی نیمکت جست و جو کرد. آنها چند سال پیش به سراغ مجید جلالی رفتند که اساساً در فوتبال ایران به عنوان مربی قهرمان مطرح نیست و تخصصش در جای دیگری است. بعد از مجید جلالی، آنها چند سال اخیر را با امیر قلعه نویی سر کردند؛ مربی که از آخرین قهرمانی اش در لیگ برتر یک دهه گذشته و در تمام این سال ها یک بازنده ابدی مقابل خارجی های لیگ بوده. مردی که انگاره هایش متعلق به دو دهه پیش است و حتی در



از چاله به قله

آیسان سعیدی

روزنامه نگار

آنها لیگ را رها نمی کنند. در حقیقت از اول هم چنین قرار می نبود. تیمی که گرانترین مربی لیگ را با قرارداد میلیون دلاری روی نیمکت خود نشانده قرار نیست به همین سادگی بی خیال لیگ و جام شود. آنها از روز نخست سودای قهرمانی داشتند و با همین هدف لیگ را با توپ پر و بریز و بیاش استارت زدند. از همین رو قرار نیست که جنگ اینگونه راحت و آسان به پایان برسد. تیمی که یک نیم فصل تمام برای رسیدن به صدر صبر کرد و در سایه نشست تا درست در بزنگاه کلیدی به قله لیگ برسد و حالا قرار نیست بعد از این همه مرارت کشیدن، صدر را بسادگی به رقیب واگذار کند. حتی اگر رقابتش دو تیم حریص و آماده تهرانی باشند. بازگشت سپاهان به لیگ برتر و به صدر مهم ترین اتفاق هفته بیست و ششم بود. حتی مهمتر از برد خیره کننده استقلال و حضور ۲۴ ساعته پرسپولیس در صدر. بعد از یک شکست تلخ در

تبریز و برابر تراکتور خمس که حاشیه امنیت زردها در صدر جدول را از بین برد و دو رقیب تهرانی را بیخ گوش آنها رساند، برد در اصفهان و برابر مس رفسنجان چغر و بدیدن از نان شب واجب تر بود و اهمیتی ویژه داشت. آنقدر مهم که نقش جهان برای نخستین بار طی سال های اخیر دوباره لبریز از تماشاگر شد. مس رفسنجان یکی از مهم ترین رقبای سپاهان در ۵ بازی باقی مانده تا پایان لیگ بود و برد مقابل این حریف نسبتاً سخت و آسان نیاز علاوه بر بازگشت زردها به صدر جدول، حداقل می توانست ۳۰ درصد از مسیر قهرمانی را هموار کند. بردی که البته آسانتر از حد تصور اتفاق افتاد چرا که ستاره های این روزهای زردها براسستی مهارناپذیرند. رامین رضاییان ستاره این روزهای لیگ و تیم ملی باز هم نقش اول این برد بود که پایه گذار گل اول شد و امید نورافکن که در بازگشت به روزهای اوج با یکی از آن شلیک های مخصوص خودش سند این برد را مهر کرد تا سپاهان دوباره به صدر بازگردد. بله، جنگ قهرمانی تمام نشده، سپاهان ول کن جام نیست.



کپی رنگ و رو رفته



امیررضا همایون

روزنامه نگار ورزشی

مهم ترین خبر روزهای پایانی سال گذشته شمسی انتخاب امیر قلعه نویی به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال ایران بود؛ خبری که پس از کش و قوس فراوان تأیید شد و بدین ترتیب قلعه نویی با عقد قراردادی تا پایان جام ملت های آسیا ۲۰۲۴ قطر به عنوان سرمربی جدید روی نیمکت تیم ملی خواهد نشست. این خبر علاوه بر اینکه باعث بازگشت ژنرال به نیمکت تیم ملی پس از گذشت ۱۶ سال شد، به همکاری گل گهر و قلعه نویی هم پس از سال ها پایان داد تا پس از بازی گل گهر مقابل فولاد در جام حذفی دوران پسا امیر در این تیم سیرجانی آغاز شود. دورانی که این تیم تحت

فهاد سعیدی روی نیمکت این تیم رخ داد و با اتفاقی که برای تیم ملی و ایلیال پس از رفتن خولیو و لاسکو و آمدن اسلوبودان کوچا به وقوع پیوست. تیم ملی در اولین سال پسا و لاسکو موفق شد برزیل را شکست بدهد، به مرحله نهایی لیگ جهانی و ایلیال صعود کند و مقام ششم مسابقات قهرمانی جهان را کسب کند اما پس از گذشت یک سال از آن روزها ضعف های کوچا نمایان شد و تیم از روند مطلوبش خارج شد. بنابراین قضاوت عملکرد الهویی در گل گهر نیاز به زمان دارد. چیزی که در این مدت کوتاه می توان درباره گل گهر پسا قلعه نویی نوشت این است که تیم نتیجه بهتری گرفته، آنچه کمترین نسبت را با الهویی دارد و ماندگاری اش در بلندمدت نامشخص است.

تعهد برتر از عشق

ضیا عربشاهی

هافبک اسبق تیم ملی

بازی هوادار برابر استقلال یکی از عجایب تاریخ لیگ برتر است. همه ما عاشق تیم هایی در فوتبال هستیم اما وقتی سرمربی یک تیم می شویم، باید همه فکرمات موفقیت تیم خودمان باشد. مربیگری مثل معلمی است و وقتی وارد این کار می شویم، باید قسم بخوریم که متعهدانه عمل خواهیم کرد. واقعاً برای من مربی جای سؤال دارد چرا باید فردی که مدعی سرمربیگری تیم ملی است، در یکی از مهم ترین بازی های خود ۶ بازیکن اصلی تیمش را بیرون بگذارد؟ از مربی که ادعای سرمربیگری تیم ملی را دارد تعجب می کنم. باید خدا را شکر کنیم که فدراسیون فوتبال او را به عنوان سرمربی انتخاب نکرد اگر نه در مقابل کره ۱۲ گل می خوردیم! ترکیب هوادار بسیار عجیب بود و امیدوارم کادرفنی آنها دلایل قانع کننده ای داشته باشند. نمی خواهم اتهامی به تیم ها وارد کنم اما به عنوان یک مربی

می گویم، درست نیست مقابل تیم بزرگی مثل استقلال از بازیکنان بزرگ استفاده نکنیم. ۶ بازیکن اصلی خود را از ترکیب خارج کنیم. دوست دارم الهامی پاسخ حرف های من را بدهد. اگر این مسائل را بیان می کنم به خاطر فوتبال و حفظ فضای پاک این رشته ورزشی است. ما فوتبالی ها وظیفه داریم اجازه ندهیم آدم هایی که از کنار این رشته رد شده اند، به آن لطمه بزنند. استقلال از نظر فنی تیم بسیار خوبی است و هر بازی هم که می گذرد، بهتر می شود اما فقط یک سؤال از مدافع تیم هوادار که مقابل قایدی قرار گرفته بود، دارم. یک دفاع که

حداقل های دفاع کردن را هم بلد باشد، چرا باید تمام فضای لازم را برای شوت زدن بازیکن حریف در اختیار او قرار دهد؟ شاید مدیران هوادار هم به استقلال علاقه مند باشند اما آنها برای تأمین هزینه های تیم خود زحمت زیادی می کشند. تیم های خصوصی برای من ارزش زیادی دارند و امیدوارم شاهد حضور تیم های خصوصی بیشتری در لیگ برتر باشیم.

از فدراسیون فوتبال و بویژه کمیته اخلاق خواهش می کنم در هفته های پایانی لیگ نظارت خود را افزایش دهند. قهرمان لیگ برتر باید با سلامت کامل انتخاب شود و برای این مسئله همه مسئولان باید تلاش کنند. به عنوان یک پیشکسوت فوتبال سؤال بسیار مهمی در ذهنم است که هیچگاه جوابی برای آن پیدا نکردم. چرا بزرگان دهه ۶۰ سرمربی هیچ تیمی نیستند. ما پیشکسوتان پرسپولیس و همه مدارک عالی مربیگری را داریم اما سرمربی هیچ تیمی نمی شویم؟ لطفاً یک نفر پاسخ کسی که ۱۲ سال بازیکن تیم ملی بوده را بدهد.

